

نگاهی به

الفاظ عام قرآن و اسباب نزول آنها

با تکیه بر آیات سوره دهر

دکتر نادعلی عاشوری تلوکی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد

چکیده

در اصول فقه قاعده‌ای مطرح است، مبنی بر این که خصوص سبب عموم لفظ را تخصیص نمی‌زند و برخی از علمای عامه به استناد آن پاره‌ای آیات را که در فضیلت علی علیه السلام نازل شده، انکار می‌کنند. در این مقاله سخن از این است که همواره چنین نیست که خصوص سبب عموم لفظ را تخصیص نزنند. آیه ولایت از آن جمله است؛ به علاوه عمومیت لفظ، دلیلی بر انکار خصوصیت سبب نیست.

کلید واژه‌ها: اسباب نزول، عموم لفظ، خصوص سبب، سوره دهر.

۱. مقدمه

بسیاری از علمای اهل سنت نزول آیاتی از قرآن را در شأن حضرت علی علیه السلام می‌پذیرند؛ اما برخی از آنان نیز آن را انکار می‌کنند. مهمترین دلیلی که اقامه کرده‌اند، این است که آیات مورد استشهاد عام است؛ لذا نمی‌تواند در خصوص علی علیه السلام نزول یافته باشد.

۲. سخن قائلان به عموم لفظ

هر چند بسیاری از دانشمندان اهل سنت نظیر حاکم حسکانی نزول قرآن از جمله سوره انسان را در شأن اهل بیت با صراحت می‌پذیرند؛ اما فخر رازی و برخی دیگر از مفسران اهل سنت سعی دارند، به گونه‌ای آن را رد کنند. مثلاً فخر رازی در آغاز این بحث در تفسیر خود می‌نویسد:

هیچیک از بزرگان معتزله مانند ابوبکر اصم و ابوعلی جُبائی و ابوالقاسم کَعْبی و ابومسلم اصفهانی و قاضی عبدالجبار در تفسیر خود یاد نکرده‌اند که این آیات درباره علی بن ابی طالب نازل شده‌است. تنها واحدی در کتاب بسیط یاد کرده که آن درباره علی علیه السلام نازل شده و صاحب کشف از میان معتزله این قصه را آورده است.^۱

آنگاه پس از نقل روایت ابن عباس، در صدد نقد و انکار آن برخاسته، چنین می‌گوید:

اولاً آیات مذکور به صیغه جمع آمده‌است؛ مانند: **يُوفُونَ بِالنَّذْرِ، يَخَافُونَ وَيُطِيعُونَ**؛ بنابراین تخصیص آن به شخص واحد خلاف نظم آیات است؛ ثانیاً اختصاص این صیغه جمع به یک دسته و جمع معینی خلاف ظاهر است؛

ثالثاً حتی اگر بپذیریم این سوره به خاطر عمل مشخصی از اهل بیت علیهم السلام نازل شده باشد، باز هم مدّعی شیعه ثابت نمی‌شود؛ زیرا در اصول فقه ثابت شده است که در مورد اسباب نزول «اعتبار به عموم لفظ است؛ نه خصوص سبب».^۲

قرطبی نیز که تقریباً معاصر فخر رازی است، از جمله کسانی است که شأن نزول خاص سوره دهر را به شدت انکار می‌کند و بر این باور است که معنا و مفهوم این سوره عام است و درباره همه ابرار و هر کس که کار نیک و پسندیده‌ای انجام دهد، نازل شده است. عبارت وی چنین است:

مفسران گویند: آن درباره علی و فاطمه و کنیز آن دو به نام فضّه نازل شده است؛ ولی نظر درست این است که آن درباره همه ابرار و هر آنکه کار نیکی انجام دهد، نازل شده است؛ به همین رو آن عام است.^۳

آنگاه می‌افزاید:

تعلّبی، نقاش، قشیری و دیگران داستان نزول سوره را در شأن آنان دانسته‌اند؛ ولی خود با صراحت می‌گوید: اعتقاد من آن است که این نظر صحیح نیست و ثابت هم نشده است.^۴

به علاوه پس از نقل روایات و اشعار مربوط به این سوره، به همان نحوی که در کشف‌الاسرار و شواهد التنزیل آمده، می‌گوید:

این سخن جعلی و خرافی است و شایسته نیست که علی علیه السلام فرزندان خویش را گرسنه نگه دارد تا بینوایی را سیر سازد!!^۵

از دیگر دانشمندان اهل سنت که در صدد نفی و انکار شأن نزول سوره دهر برآمدند، باید از ابن‌کثیر (ت ۷۷۴ق) نام برد. وی که تقریباً یک صد سال پس از سلف خویش یعنی قرطبی می‌زیست، در انکار فضایل اهل بیت علیهم السلام به ویژه علی علیه السلام تا آنجا پیش می‌رود که معتقد است هیچ آیه‌ای در شأن امیرمؤمنان علی علیه السلام نازل نشد و آنچه را که شیعه باور دارد، ادعایی بیش نباید دانست. او می‌گوید:

هیچ چیزی از قرآن در خصوص علی علیه السلام نازل نشده و هیچیک از آیاتی که ادعا می‌کنند، در خصوص اوست، نظیر «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^۶ و «و يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلٰی حُبِّهِ» و نیز روایاتی که این آیات را درباره او می‌شمارند، درست نیست.^۷

آنچه به اجمال بر شمردیم، مجموع همه ایرادهایی است که برخی مفسران عامّه بر روایات شأن نزول سوره دهر وارد دانسته‌اند. اینک به اختصار به نقد و

بررسی این ایرادها می‌پردازیم:

۳. نقد سخن قائلان به عموم لفظ

چنانکه مشاهده شد، عمده‌ترین اشکال مخالفان بر محور دو نکته قرار دارد: نخست این که شأن نزول سوره دهر عام است و در حق همه ابرار - و نه طایفه خاصی - ساری و جاری است؛ چرا که آیات مورد بحث تماماً به صیغه جمع است و دلیلی بر انحصار آن درباره فرد یا افراد معینی وجود ندارد. به علاوه حتی اگر درباره افراد خاصی باشد، باز هم اختصاص به آن مورد نداشته و می‌توان آن را عام و در شأن دیگران هم صادق دانست. دیگر این که نزول این سوره در مکه بوده است و آنچه شیعه ادعا می‌کند، خرافه‌ای بیش نیست.^۸

هر چند پاسخ مفصل این شبهه، خود کتاب پرحجمی خواهد شد؛ اما پاسخ‌های خویش را به اجمال این‌گونه عرضه می‌کنیم:

۱- روایات مربوط به شأن نزول خاص این سوره تنها از طریق شیعه نقل نشده‌است تا جای این توهم باقی باشد که گویا تنها امامیه بدان باور دارد. علامه امینی در اثر جاودانه خویش از سی و چهار منبع اهل سنت نام می‌برد که همگی روایت مذکور را به همان نحوی که شیعه قبول دارد، نقل کرده و پذیرفته‌اند.^۹

۲- به صیغه جمع بودن این آیات نیز هرگز نمی‌تواند، شأن نزول خاص آن را تحت الشعاع قرار دهد؛ زیرا آیات مذکور تنها مورد آن در قرآن نیست و از این نمونه‌ها در قرآن فراوان است. یعنی علی‌رغم این که ظاهر آیه به صیغه جمع است؛ اما همگان قبول دارند که سبب نزول آن خاص بوده است. به عنوان شاهد به نمونه‌های زیر توجه شود:

الف - «أَتْمَا وَلِيكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»^{۱۰}.

در این آیه گر چه عبارات و الفاظ آیه تماماً به صیغه جمع است؛ ولی به اتفاق نظر علمای فریقین این آیه نه تنها در شأن مولای متقیان، علی علیه السلام نازل شده است؛ بلکه اختصاص به آن حضرت دارد و نظیر آیه نجوی^{۱۱} هیچ کس جز ایشان، به مضمون و محتوای آن عمل نکرده است.^{۱۲}

ب - «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ ازواجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا انفسهم فَشَهَادَةُ اٰخِذِيْهِمْ اَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللّٰهِ اِنَّهُ لَمِنَ الصّٰدِقِيْنَ»^{۱۳}

این آیه که به آیه لعان معروف است، بر حسب روایات در شأن هلال بن امیه و یا فردی دیگر نازل شده است؛^{۱۴} اما چنانکه ملاحظه می شود، تمامی تعابیر موجود در آیه به صیغه جمع آمده است.

ج - «الَّذِينَ يظَاهرونَ مِنْكُمْ مِنْ نَسائِهِمْ ماَهُنَّ اُمَّهَاتِهِمْ...»^{۱۵}

این آیه که به آیه ظهار مشهور است، در شأن اوس بن صامت نازل گردید؛^{۱۶} حال آنکه دارای تعابیری عام است و به شکل جمع بکار رفته است.

با توجه به این آیات، که به عنوان نمونه و شاهد ذکر شد، باید گفت: گاهی آیاتی نازل می گشت که دارای تعبیری عام بوده و حکم آن، ظاهراً به همه مردم مربوط می شد؛ اما سبب نزول آن آیه و یا آیات، عبارت از جریانی بود که به فرد یا افراد خاصی ارتباط داشت.^{۱۷}

در مورد سوره دهر نیز مطلب از این قرار است.

۳- آنها که شأن نزول سوره را واقعه مربوط به اهل بیت علیهم السلام می دانند، هرگز مدعی نیستند که دیگر ابرار مشمول آیات این سوره نیستند تا اشکال شود که لفظ آیه عام است و نباید آن را به مورد خاصش منحصر دانست؛ بلکه آنان نیز به عموم و شمول آیات واقف، بلکه معترف اند؛ اما بر این نکته مسلم پای می فشرند که اولاً نزول سوره بدون سبب نبوده است؛ ثانیاً سبب نزول آن هم مشخص است؛ ثالثاً اهل بیت علیهم السلام مصداق بارز سبب نزول این سوره اند.

این که «اعتبار به عموم لفظ است؛ نه خصوص سبب» امری قطعی و سختی بجا و درست است که موافقان نزول سوره در شأن اهل بیت علیهم السلام هم آن را می پذیرند.

۴- بر فرض که سوره دهر در مکه نازل شده باشد، این حقیقت جای انکار ندارد که مکی بودن سوره‌ای، هرگز منافی مدنی بودن برخی آیات آن نیست. چنان که عکس آن هم صادق است. یعنی ممکن است سوره‌ای در مدینه نازل شده باشد؛ اما چون نظم قرآن توقیفی است و به دستور پیامبر ﷺ انجام گرفته است،^{۱۸} برخی آیات آن مکی باشند و سخن ابن حصّار که می‌گوید: «هر یک از سوره‌های مکی و مدنی آیات مستثنا دارد»،^{۱۹} بر این نکته اشاره دارد.

این که می‌گویند «فلان آیه درباره اهل بیت ﷺ یا درباره امیرمؤمنان، علی ﷺ نازل شده است»، یکی از چند معنا را می‌تواند داشته باشد:

الف - عملی بسیار ارزنده از اهل بیت ﷺ صادر گردید که سبب نزول آیه شریفه شده است. مثلاً علی ﷺ در هنگامه خطر، در بستر رسول خدا ﷺ خوابید و این عمل امیرمؤمنان سبب نزول آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»^{۲۰} شده؛ ولی آیه بر دیگران هم قابل صدق است؛ زیرا اعتبار به عموم و اطلاق لفظ آیه است، نه خصوص سبب و مورد نزول؛

ب - مصداق یگانه آیه شریفه، اهل بیت ﷺ هستند و به دیگران به هیچ وجه قابل صدق نیست، مانند آیه تطهیر^{۲۱} و آیه مباهله؛^{۲۲}

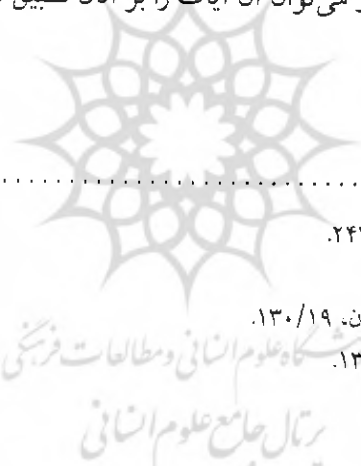
ج - اهل بیت ﷺ مصداق اکمل و اظهر آیه شریفه هستند و از این رو مانعی ندارد که بر دیگران هم صادق آید؛ مانند آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»^{۲۳}.

فرق این معنا با معنای اول آن است که در اولی، اهل بیت ﷺ سبب نزول آیه بودند؛ ولی در معنا سوم ممکن است اهل بیت ﷺ سبب نزول آیه نباشند و آیه بدون سبب نزول نازل شده باشد؛ ولی رسول خدا ﷺ و ائمه ﷺ، اهل بیت را به عنوان مصداق مُسَلَّم و روشن آن آیه معرفی کرده باشند.^{۲۴}

این مورد همان است که علامه طباطبایی از آن با عنوان «جَزَى و تطبیق» یاد می‌کند. نامبرده گوید:

اختصاص ندارد؛ بلکه در هر موردی که با مورد نزول از لحاظ مناط و ملاک یکسان باشد، جاری می‌گردد و این همان معنایی است که به جری در قرآن تعبیر شده است.^{۲۵}

این قاعده که برگرفته از روایات ائمه علیهم‌السلام است، به کرات در مجلدات بیست‌گانه میزان مورد استناد قرار گرفته است و علامه با استفاده از این قاعده و با اشاره به این مطلب که بسیاری از روایات از قبیل جری و ذکر مصادیق است، نه تفسیر، بلکه به شرح و توضیح این بخش از روایات اقدام کرده‌اند. مانند احادیث فراوانی که از طریق شیعه از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام روایت شده است، مبنی بر اینکه در همه آیاتی که با خطاب «یا ایها الذین آمنوا» آمده، یا مخاطب آن اندبشمندان، پرهیزکاران، نیکوکاران و.... است، مصداق بارز و مظهر تام و تمام آن ائمه علیهم‌السلام هستند و می‌توان آن آیات را بر آنان تطبیق کرد.^{۲۶}



پی‌نوشت‌ها

۱. مفاتیح‌الغیب، ۲۴۳/۳۰.
۲. همان، ۲۴۴/۳۰.
۳. الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۰/۱۹.
۴. همان، ۱۳۱/۱۹-۱۳۰.
۵. همان، ۱۳۴/۱۹.
۶. سوره رعد آیه ۷.
۷. البداية و النهاية، ۳۹۵/۷.
۸. منهاج السنة، ۱۱۷/۲ به نقل از الغدير، ۱۶۹/۳.
۹. الغدير، ۱۷۱/۳-۱۶۹.
۱۰. سوره مائده، آیه ۵.
۱۱. سوره مجادله، آیه ۱۱.
۱۲. بنگرید به: الغدير، ۱۶۲/۳-۱۵۵؛ اسباب النزول، ص ۲۷ به بعد.
۱۳. سوره نور آیه ۶.
۱۴. مجمع‌البیان، ۲۰۱/۷؛ الاتقان، ۲۹/۱؛ اسباب النزول، ۱۰۴.
۱۵. سوره مجادله، آیه ۲.
۱۶. مجمع‌البیان، ۳۷۱/۹؛ الاتقان، ۲۹/۱؛ اسباب النزول، ص ۷۶.